

## Research Paper

# Anthropological analysis of man-made tourist attractions in the cities of Jajarm and Esfarayen

Rezvan Yazdani<sup>1</sup>, Ali Baseri<sup>\*2</sup>, Mohammad Hadi Mansouri Lakvoj<sup>3</sup>

1. Department of Social Sciences, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.  
Department of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFO

PP: 951-962

Use your device to scan and read  
the article online



#### Keywords:

*Anthropology,  
anthropogenic tourism,  
Jajarm, Esfarayen,  
indigenous culture,  
sustainable development*

### Abstract

The present study aims to conduct an anthropological analysis of man-made tourist attractions in the cities of Jajarm and Esfarayen. These two cities have a high potential for tourism development due to their historical background, cultural status, and ethnic diversity. In this study, the role of cultural elements, local lifestyles, rituals, handicrafts, and traditional architecture in the formation and continuation of man-made tourist attractions has been investigated using a qualitative approach and descriptive-analytical method. Data were collected through field observation, interviews with local residents, and study of documentary sources. The results show that attractions such as the historical context of Esfarayen, Jajarm Castle, pottery workshops, and religious and ritual rituals play an important role in strengthening local identity and attracting tourists. However, the lack of tourism infrastructure, youth migration, and lack of coherent cultural planning have weakened some of these capacities. Overall, sustainable tourism development in these areas requires a people-centered approach, attention to indigenous culture, and active participation of the local community in decision-making processes.

**Citation:** Yazdani, Rezvan, Baseri, Ali, Mansouri lakvorj, Mohammad Hadi, (2024). **Anthropological analysis of man-made tourist attractions in the cities of Jajarm and Esfarayen.** Quarterly Journal of Geography (Regional Planning),13(12),951-962

DOI:10.22034/jgeoq.2026.536536.4303

\* **Corresponding author:** Ali Baseri, **Email:** baseridon@yahoo.com

## Extended Abstract

### Introduction

The importance of the tourism industry has been increasing rapidly in recent years. Today, countries that have planned to increase their gross national income through the expansion of the services market consider the tourism market as the most important market with financial turnover, productive employment, and high profit margins.

### Methodology

The present research method is based on an ethnographic approach (using participatory observation, open interviews, and presence in the research field).

### Results and Discussion

An anthropological analysis of man-made tourist attractions in the cities of Jajarm and

Esfarayen shows that these areas, due to their strategic historical and cultural location in North Khorasan, have rich but different potentials, and the way tourists perceive, value, and interact with them is deeply influenced by cultural, social, and local concepts.

### Conclusion

In short, the man-made attractions of Jajarm and Esfarayen are contexts in which the identity, history, local economy, and belief systems of the people of the region are intertwined. The anthropological conclusion is that for sustainable development, this socio-cultural context must be put in the spotlight, rather than simply displaying the artifacts.

### References

1. Harris, R., Williams, P., & Griffin, T. (2012). *Sustainable tourism*. Routledge.
2. Du Cros, H., & McKercher, B. (2020). *Cultural tourism*. Routledge.
3. Weng, L., He, B.-J., Liu, L., Li, C., & Zhang, X. (2019). Sustainability Assessment of Cultural Heritage Tourism: Case Study of Pingyao Ancient City in China. *Sustainability*, 11(5), 1392. <https://doi.org/10.3390/su11051392>
4. Adams, K. M. (2024). Valene Smith, tourism, and the remapping of anthropological terrain. *Tourism Geographies*, 26(4), 695–699. <https://doi.org/10.1080/14616688.2024.2342467>
5. Andrews, H., & Roberts, L. (2025). Notes Towards a Phenomenological Anthropology of Travel and Tourism. *Humanities*, 14(6), 119. <https://doi.org/10.3390/h14060119>

## مقاله پژوهشی

### تحلیل مردم‌شناختی جاذبه‌های گردشگری انسان‌ساخت در شهرستان‌های جاجرم و اسفراین

رضوان یزدانی - گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

علی باصری\* - گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمدهادی منصور لکوریج - گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>شماره صفحات: ۹۵۱-۹۶۲</p> <p>از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید</p> 	<p>پژوهش حاضر با هدف تحلیل مردم‌شناختی جاذبه‌های گردشگری انسان‌ساخت در شهرستان‌های جاجرم و اسفراین انجام شده است. این دو شهرستان به دلیل پیشینه تاریخی، جایگاه فرهنگی و تنوع قومی، ظرفیت بالایی برای توسعه گردشگری دارند. در این تحقیق، با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، نقش عناصر فرهنگی، سبک‌های زندگی محلی، آیین‌ها، صنایع دستی، و معماری سنتی در شکل‌گیری و تداوم جاذبه‌های گردشگری انسان‌ساخت بررسی شده است. داده‌ها از طریق مشاهده میدانی، مصاحبه با ساکنان محلی، و مطالعه منابع اسنادی گردآوری گردید. نتایج نشان می‌دهد که جاذبه‌هایی چون بافت تاریخی اسفراین، قلعه جاجرم، کارگاه‌های سفال‌گری و آیین‌های مذهبی و آیینی نقش مهمی در تقویت هویت محلی و جذب گردشگران دارند. با این حال، کمبود زیرساخت‌های گردشگری، مهاجرت جوانان و عدم برنامه‌ریزی فرهنگی منسجم موجب تضعیف بخشی از این ظرفیت‌ها شده است. در مجموع، توسعه پایدار گردشگری در این مناطق نیازمند رویکردی مردم‌محور، توجه به فرهنگ بومی، و مشارکت فعال جامعه محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری است.</p>

**استناد:** یزدانی، رضوان، باصری، علی، منصور لکوریج، محمدهادی، (۱۴۰۲). تحلیل مردم‌شناختی جاذبه‌های گردشگری انسان‌ساخت در شهرستان‌های جاجرم و اسفراین. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۱۳(۱۲)، ۹۵۱-۹۶۲

DOI:10.22034/jgeoq.2026.536536.4303

## مقدمه

اهمیت صنعت گردشگری در سال های اخیر به سرعت در حال افزایش بوده است (فیگریدو و همکاران، ۲۰۲۴). امروزه کشورهای که برای افزایش درآمد ناخالص ملی خود از طریق گسترش بازار خدمات برنامه ریزی کرده اند، بازار گردشگری را به عنوان مهم ترین بازار با گردش مالی، اشتغال زایی مولد و حاشیه سود بالا قلمداد می کنند (بالاسابرامانیان و همکاران، ۲۰۲۲). روز جهانی گردشگری در سال ۲۰۱۵ با موضوع «یک میلیارد گردشگر» جشن گرفته شد و این ساختار پتانسیل تحول آفرین یک میلیارد گردشگر را با بیش از یک میلیارد گردشگر که هر ساله به یک مقصد بین المللی سفر می کنند، برجسته می کند. در اهمیت مساله مربوط، گردشگری به یک بخش اقتصادی پیشرو تبدیل شده است و ۹.۸ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی و ۷ درصد از کل صادرات جهان را تشکیل می دهد. بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، سال ۲۰۱۳ بیش از ۱.۰۸۷ میلیارد گردشگر خارجی و ۱۰۷۵ میلیارد دلار درآمد گردشگری خارجی داشته است. پیش بینی می شود سهم سفر و گردشگری در تولید ناخالص داخلی (GDP) در پایان سال ۲۰۲۶ به ۱۰.۸ درصد برسد (سازمان گردشگری جهانی، ۲۰۱۶). بر این اساس توجه به گردشگری و دستیابی به یک رویکرد پایدار در این زمینه امری بسیار مهم و حیاتی است.

گردشگری پایدار رویکردی است که ضمن برآوردن نیازهای گردشگران و جوامع محلی، فرصت های آینده را نیز حفظ می کند (هریس و همکاران، ۲۰۱۲). این نوع گردشگری، مدیریت متعادل تمام منابع را ممکن می سازد؛ به گونه ای که ضمن حفاظت از سیستم های اکولوژیکی، یکپارچگی فرهنگی و تنوع زیستی، نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیبایی شناختی نیز برآورده شوند (دو کروس و همکاران، ۲۰۲۰). در جوهره خود، گردشگری پایدار بر حفظ منابع زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای نسل های آینده تمرکز دارد (ونگ و همکاران، ۲۰۱۹) و بر همین اساس ساختار مربوط به فرهنگ و الگوی فرهنگی در آن تاثیر مشخصی دارد. یکی از مهمترین ساختار و الگوی مورد بررسی در گردشگری ضرورت بررسی این مفهوم با الگوی مربوط به ساختار مردم شناسی است.

بر اساس نظر پژوهشگران مختلف، گردشگری، مزایای اقتصادی و غیر اقتصادی (اعم از فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی) بسیاری را برای جوامع به همراه دارد (متقی، ۱۳۹۹، به نقل از chianeh). از مزایای توسعه صنعت گردشگری، تعامل و ترویج فرهنگ بین گردشگران و میزبانان محلی و بومی، اشتغالزایی، کارآفرینی، پاسداشت بازمانده های آثار زندگی گذشتگان، تعامل انسان و محیط زیست و طبیعت می باشد شناخت و معرفی این مناطق به گردشگران ملی و بین المللی یک ضرورت است. دو شهرستان استان خراسان شمالی نیازمند معرفی دارایی های گردشگری و جایگاه آن هستند. پنهان ماندن داشته های گردشگری مناطقی مثل جاجرم و اسفراین این شهرستان ها را از گردونه توسعه دور نگه داشته است جاجرم با دارا بودن سابقه تاریخی ده هزار سال (تپه پهلوان مربوط به دوره اشکانیان) و اسفراین با وجود وضعیت تاریخی و طبیعی نتوانسته جایگاه خود را بیابد.

## رویکرد نظری

### شهرستان اسفراین:

شهرستان اسفراین از جنوب و جنوب شرقی با شهرستان سبزوار، از شرق و شمال با فاروج و شیروان و بجنورد و از غرب با جاجرم هم مرز است. (نجفی، نیک گفتار، وظیفه شناس، ۱۳۹۴: ۵) موقعیت جغرافیایی، وجود اقوام مختلف، تمدن کهن و منابع طبیعی از جمله مهمترین جاذبه های گردشگری شهرستان است که در مجموع جاذبه های گردشگری شهرستان را به دو بخش طبیعی و انسانی میتوان تقسیم کرد (کرکه آبادی، فرحزاد، ۱۳۹۲، ۴-۶)

بطور کلی قسمت های شمالی ناحیه اسفراین دارای آب و هوای معتدل کوهستانی و قسمت های جنوب و جنوب غربی به سبب همجواری با کویر دارای تابستان گرم و خشک و زمستان های سرد (نجفی، نیک گفتار، وظیفه شناس، ۱۳۹۴: ۲۶)

### جاذبه های گردشگری اسفراین:

شهرستان اسفراین به لحاظ داشتن استعدادهای طبیعی و شرایط مساعد آب و هوایی و جغرافیایی دارای جاذبه های زیاد و اماکن دیدنی فراوان می باشد. در این پژوهش مهمترین این آثار مدنظر قرار گرفته عبارتند

شهر بلقیس :شماره ثبت ملی : ۴۴۹۷ واقع در ۳ کیلومتری اسفراین در منابع مکتوب تاریخی اولین دوره استقرار در ارگ طبق اشارات تاریخی و یافته های باستان شناسی به دوره سلجوقیان برمی گردد و بعد از این دوره چند بار در ارگ فعالیت مرمتی و ساخت و ساز در پیکره آن دیده می شود . ارگ آخرین بار توسط افغان ها به تصرف در آمد و تخریب شد اما وجود زاغه نشین هایی به طور مستقل تا اواخر قاجار نیز در این مکان بیتوته میکردند . (نجفی ،نیک گفتار ،وظیفه شناس ۱۳۹۵ : ۱۰۲-۱۰۰)



شکل ۱: قلعه بلقیس . اسفراین : عکاس : رضوان یزدانی . تابستان ۱۴۰۳

قلعه ها (صلوک )، آرامگاهها(احمدبن علی موسی (ع) شاهزاده زید ، حمزه موسی و نظرگاه )آرامگاه های بزرگان ادب چون شیخ آذری ، گردشگاه های طبیعی چون پارک ملی ساری گل ، روستای زیبای گردشگری روئین ، رویداد ورزشی کشتی چوخه گود زینل خان ، اسفراین را به یک شهرستان تاریخی و گردشگری تبدیل کرده است .

### شهرستان جاجرم:

شهرستان جاجرم در شمالغربی استان خراسان بین ۴۲-۳۶ تا ۲۵-۳۷ عرض شمالی از خط استوا (مدار مبدأ و بین ۵۳-۵۵ و ۰۸-۵۷ طول شرقی از نیمروز گرینویچ) واقع شده است و و از شمال به شهرستان مانه و سملقان، از غرب به شهرستان گرمه، از جنوب به استان سمنان، از جنوب شرق به استان خراسان رضوی، از شرق به شهرستان اسفراین و از شمال شرق به شهرستان بجنورد محدود می شود

جاجرم از جمله محل هایی است که در تاریخ از سلوکیان تا ساسانیان ، از عباسیان تا قاجاریه جایگاهی داشته است در دوره سلوکیان محل گذر سپاهیان اسکندر ، در دوره اشکانیان سکه های پیدا شده در قلعه وسط جاجرم، دوره گودرز دوم اشکانی را نشان می دهد و در دوره ساسانیان مسیر کاروان روی شمال ، عشق آباد و نساء بوده و مسیر جاده ابریشم، بومسلم خراسانی از این منطقه به قومنس رفته و در دوره طاهریان مازیار دیواری ساخت از جاجرم تا جیلان ، در زمان صفاریان اصفهید که گرگان را به تصرف در آورده بود جاجرم را نیز مسخر گردانید.... (علیزاده جاجرم ۱۳۸۸، ۴۱-۷)

شهرستان طبق تقسیمات کشوری داری سه بخش که مراکز آن ، جاجرم - سنخواست - شوقان میباشد

### جاذبه های گردشگری شهرستان جاجرم

قلعه جلال الدین



شکل ۲: تصویر قلعه جلال الدین : عکاس : رضوان یزدانی . تابستان ۱۴۰۳

مربوط به دوران‌های تاریخی پس از اسلام است و در نزدیکی شهر جاجرم واقع شده و این اثر در تاریخ ۳ بهمن ۱۳۵۶ با شماره ثبت ۱۵۷۷ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. [۵] قلعه جلال‌الدین که از سنگ و آجر و گچ ساخته شده، عبارت است از شش برج و چند یورت که قطرا از شمال به جنوب اطول از مغرب به شرق است. قلعه جلال‌الدین در حدفاصل جاده گرمه به جاجرم، بر روی تپه نسبتاً مرتفع سنگی قرار گرفته که نشان از اهمیت قلعه در جایگزینی مکان آن دارد. این قلعه با پلانی شش گوش، دارای شش برج مدور در اطراف استدیوارهای خارجی و بلند این بنا در بخش‌هایی از قسمت‌های شمالی از ناهمواریهای کوه تبعیت میکند (مصاحبه)

از دیگر جاذبه‌های گردشگری قلعه‌های داخل شهر (نارین و کوشک) قلعه سنگی روستای جغدی (joghdi)، رباط قلی (ghelli)، سرچشمه شوقان، سنگ نوشته‌های جربت (jorbat)، آرامگاه‌های علی ابن مهزیار و امامزاده دربند و سنخواست (sankhast)، روستای گردشگری چهاربید، مسجد جامع جاجرم، حمام قدیمی داخل شهرو کویر زیبا و رودخانه کال شور (kal shoor).... می‌باشد که جاجرم را به یک شهرستان تاریخی و گردشگری تبدیل کرده است.

### انسان‌شناسی گردشگری:

مک‌کنل (۱۹۷۶) در اثر کلاسیک خود با عنوان "The Tourist" مفهوم "تجربه معتبر" را در گردشگری مطرح کرد که تأثیر عمیقی بر مطالعات انسان‌شناختی گردشگری گذاشت. به باور وی، گردشگران به دنبال تجربیاتی هستند که از نظر آنها "معتبر" و "دست‌نخورده" تلقی می‌شود، اما در عمل این جستجو منجر به ساخت "معنای دوم" از فرهنگ میزبان می‌شود (گرینوود، ۱۹۸۹). یزدانی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهش پیش رو با نگاه مردم‌شناختی به آثار گردشگری، در محیط مورد مطالعه، ضمن شناسایی آثار باستانی که مورد توجه گردشگران قرار گرفته و بازدید می‌شود، جایگاه این بناها و آثار طبیعی و غیر طبیعی را در زندگی انسانی مردم دو شهرستان مورد پژوهش و اعتقادات و باورهای ایشان مطالعه و توصیف دقیق می‌نماید. ثبت و ضبط و تحلیل توصیف دقیق و قابل تامل آثار و آشکار نمودن کارکرد چنین آثاری در زندگی مردم منطقه باعث ماندگاری و انتقال این توصیف‌های دقیق، و جلوگیری از خطر فراموشی و نابودی برای نسل‌های آینده خواهد بود.

در مطالعه آندره و روبرت (۲۰۲۵) این مقاله، مقدمه‌ای بر شماره ویژه علوم انسانی با عنوان «پدیدارشناسی سفر و گردشگری» است که بر مردم‌شناسی آثار گردشگری تمرکز دارد. هدف اصلی این متن، بررسی ایده سفر «در آسایش» است که با فرهنگ‌های نگاه مجازی سیار گره خورده و در آن، تماشای یک اثر دیدنی نه فقط بصری، بلکه به عنوان یک پیش‌تصویر فضایی و جسمی درک می‌شود. این پدیدارشناسی، به شیوه‌های تعامل تجسم‌یافته یا غیرجسمانی با جهان در اشکال سفر و گردشگری می‌پردازد و نیاز به تحلیل‌های دقیق‌تر از تجربه را برجسته می‌کند. در ادامه، مقاله‌های این شماره ویژه، به پیشبرد انسان‌شناسی پدیدارشناختی تجربیات سفر کمک کرده و در پایان، با شعری کوتاه، درباره خطرات سفر با آسایش بیش از حد و تقلیل جهان به صحنه‌های سطحی، تأملی عمیق ارائه می‌دهد.

در مطالعه آدامز و همکاران (۲۰۲۴) این مقاله بیان می‌کند که کمک‌های ولین اسمیت برای ترسیم زمینه‌ی آنچه «انسان‌شناسی گردشگری» نامیده می‌شد، اساسی و بنیادی بود. مجموعه سال ۱۹۷۷ اسمیت با عنوان "میزبانان و مهمانان" (Hosts and Guests)، به عنوان اولین گردآوری بزرگ تحقیقات انسان‌شناختی در زمینه گردشگری، طیف وسیعی از مطالعات قوم‌نگارانه درباره گردشگری را در مناطق جغرافیایی مختلف ارائه داد، گونه‌شناسی‌ها را دسته‌بندی کرد و تأثیرات گردشگری را به دقت ثبت نمود، دقیقاً همانند نقشه‌برداری یک «حوزه مطالعات قوم‌شناختی». این مقاله به نقش مجموعه اسمیت در مشروعیت بخشیدن به حوزه‌ای از مطالعات انسان‌شناختی که پیش از این کمتر مورد توجه بود، می‌پردازد.

### روش مورد بررسی

روش پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد مردم‌نگاری (استفاده از مشاهده مشارکتی، مصاحبه آزاد، حضور در میدان تحقیق) است. روش مردم‌نگاری به عنوان رویکرد اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش انتخاب شده است، چرا که امکان دریافت داده‌هایی عمیق، بومی محور و مبتنی بر تجربه زیسته مردم را فراهم می‌سازد. در این شیوه، پژوهشگر با حضور فعال در محیط اجتماعی مورد

مطالعه، از منظر درونی و فرهنگ‌مدارانه به تحلیل کنش‌ها و نمادهای فرهنگی می‌پردازد. وجه تمایز این روش با سایر رویکردهای کیفی در تداوم حضور پژوهشگر و مشارکت فعال در زیست‌جهان جامعه هدف است. بدین ترتیب، مشاهده مشارکتی به جای مشاهده صرف، زمینه درک دقیق‌تر معنای نهفته در رفتارهای روزمره مردم اسفراین و جاجرم را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر از مدل مردم‌نگاری معاصر بهره می‌گیرد که به صورت مقطعی و چندمرحله‌ای در میدان اجرا می‌شود. برخلاف مردم‌نگاری سنتی که نیاز به اقامت‌های بلندمدت (تا چند سال) داشت، در مردم‌نگاری معاصر می‌توان از اقامت‌های هدفمند، کوتاه‌مدت و فشرده در میدان استفاده کرد. این شیوه برای پژوهش‌های مقطعی مانند این مطالعه بسیار مناسب است، چرا که زمان‌بندی مشخص دارد و قابلیت اجرا در چند مکان جغرافیایی را به‌طور هم‌زمان فراهم می‌کند. تجربه‌های اولیه بوآس در میان اسکیموها یا مالینوفسکی در تروبریانده، هرچند الگوهای کلاسیک‌اند، اما در این پژوهش تطابق با فرم جدیدتر روش دارند.

## یافته‌های پژوهش

### تحلیل مردم‌شناختی بخش انسان ساخت

#### اسفراین: ➤

#### جدول ۱: ملاک‌ها و نشانگرهای تحلیل مردم‌شناختی (بخش انسان ساخت - اسفراین) (استخراج محقق)

ملاک (Criterion)	نشانگر (Indicator)
۱. نمادگرایی و هویت‌پذیری (شهر بلیس)	۱. میزان افتخار و تعلق خاطر مردم به بلیس (مثلاً آن را "شناسنامه" خود می‌دانند). ۲. نقش بلیس در روایت‌های شفاهی و خانوادگی (انتقال داستان‌ها از نسلی به نسل دیگر) ۳. تعامل مردم با میراث فرهنگی (حضور و مشارکت در "نوروزگاه" در بلیس)
۲. بازتاب مقاومت و پناهگاه اجتماعی (قلعه‌ها و تپه‌ها)	۴. تأثیر بلیس بر برنامه‌ریزی‌های محلی (محور قرار گرفتن بلیس در فعالیت‌های گردشگری و آموزشی) ۵. مشارکت مردم در حفظ و نگهداری بلیس (احساس مسئولیت و تلاش برای حفظ آن). ۱. کارکرد نمادین قلعه‌ها در حافظه جمعی (نماد "سختی‌ها و دل‌آوری‌ها" و "صبر و مقاومت") ۲. نقش قلعه‌ها در روایت‌های شفاهی و افسانه‌ها (گره خوردن داستان‌های محلی با قلعه‌ها) ۳. نحوه استفاده فعلی از فضاها (استفاده از اطراف تپه‌ها برای دام یا بازی کودکان) ۴. انتقال ارزش‌های تاریخی (آموزش "استقامت و همبستگی" به نسل‌های جوان با استفاده از قلعه‌ها) ۵. جایگاه قلعه‌ها در نشانه‌گذاری جغرافیایی و فرهنگی (استفاده از قلعه‌ها به عنوان نشانه‌های مکانی مهم)
۳. مدیریت منابع و پیوندهای اقتصادی تاریخی (آب‌انبار و کاروانسرای سیل)	۱. درک مردم از اهمیت تاریخی مدیریت آب (نقش حیاتی آب‌انبارها در گذشته) ۲. نقش کاروانسراها در تبادلات فرهنگی و اقتصادی (کارکرد کاروانسراها به عنوان "مراکز تبادل کالا، اطلاعات و فرهنگ") ۳. روایت‌های مربوط به پویایی گذشته (اطلاعات مردم در مورد رونق اقتصادی و اجتماعی مرتبط با کاروانسراها) ۴. پیوستگی فضایی با زندگی امروز (استفاده مردم از اطراف بناها برای فعالیت‌های کوچک) ۵. حس قدردانی از تدابیر گذشتگان (احترام به هوشمندی اجداد در سازگاری با محیط)
۴. کانون‌های تعامل اجتماعی و اوقات فراغت معاصر (پارک‌ها و فضاهای سبز)	۱. میزان استفاده و هدف از حضور در پارک‌ها (مثلاً برای پیک‌نیک، بازی، ورزش) ۲. نقش پارک‌ها به عنوان فضاهای ملاقات و گفتگو (مکانی برای "صحبت کردن" و تعاملات اجتماعی) ۳. تأثیر بر روحیه و سلامت اجتماعی (تأثیر مثبت پارک‌ها بر "روحیه" و "حس تعلق به شهر") ۴. انواع فعالیت‌ها و رویدادهای برگزار شده (برگزاری بازارهای فصلی یا برنامه‌های شهرداری) ۵. پوشش و آداب و رسوم خاص (مشاهده آداب و رسوم و نوع پوشش افراد در این فضاها)
۵. مراکز تولید و انتقال دانش و هنر (فرهنگ‌سراها، نگارخانه‌ها، آموزشگاه‌ها)	۱. میزان مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری (تعداد و تنوع شرکت‌کنندگان در کلاس‌ها و برنامه‌ها) ۲. نقش این مراکز در رشد هنری و فرهنگی (کمک به "رشد فرهنگ هنری شهر" و "تشویق جوانان") ۳. تأمین نیازهای فرهنگی جامعه (پاسخگویی به نیازهای متنوع فرهنگی گروه‌های مختلف) ۴. فضایی برای بروز هویت هنری (فرصت برای هنرمندان جهت "نشان دادن کارشون" و "پیدا کردن هویت") ۵. اهمیت کتابخانه‌ها (تأثیر بر ترویج "دانش و فرهنگ شهری" و میزان استفاده از آنها)

### کارکردهای جاذبه‌های انسان‌ساخت در اسفراین:

با توجه به مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های انجام‌شده با مردم محلی، فعالان گردشگری و مسئولان فرهنگی، جاذبه‌های انسان‌ساخت شهرستان اسفراین نه تنها به‌عنوان عناصر کالبدی تاریخی، بلکه به‌مثابه سازه‌هایی با کارکردهای چندبعدی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در زندگی مردم ایفای نقش می‌کنند.

#### کارکرد هویتی و نمادین:

شهر بلقیس، به‌عنوان شاخص‌ترین نماد تاریخی منطقه، نقشی اساسی در بازتولید هویت فرهنگی و تقویت احساس تعلق مردم به سرزمین خود دارد. برای بسیاری از ساکنان، بلقیس صرفاً یک بنای تاریخی نیست بلکه نشانه‌ای از «ریشه»، «غرور محلی» و «استمرار فرهنگی» است. مشاهدات نشان داد که مردم، به‌ویژه سالمندان و فعالان بومی، در بازدید از این مکان با احساس احترام و افتخار از گذشته خود یاد می‌کنند و حتی جشن‌ها و آیین‌های بومی (مانند نوروزگاه) را به‌گونه‌ای برگزار می‌کنند که بلقیس در مرکز آن قرار گیرد. در این‌جا کارکرد اصلی بلقیس، تثبیت هویت جمعی و تقویت حافظه فرهنگی جامعه است.

#### کارکرد اجتماعی و حافظه جمعی:

قلعه‌های تاریخی مانند علی‌آباد و تپه نوشیروان، کارکردی فراتر از آثار باستانی دارند و به‌عنوان نمادهای مقاومت و اتحاد مردمی شناخته می‌شوند. روایت‌های محلی از این قلعه‌ها، یادآور دوران سختی، پایداری و دفاع جمعی در برابر ناآرامی‌هاست. مردم این سازه‌ها را «یادگار غیرت و استقامت» نیاکان خود می‌دانند. این امر نشان می‌دهد که کارکرد فرهنگی این قلعه‌ها، حفظ و انتقال ارزش‌های جمعی چون همبستگی، شجاعت و مقاومت تاریخی است.

#### کارکرد زیست‌محیطی و اقتصادی:

آب‌انبار و کاروانسرای سیبل، علاوه بر ارزش تاریخی، نشان‌دهنده هوشمندی گذشتگان در مدیریت منابع و تعامل اقتصادی‌اند. کارکرد آب‌انبار، مدیریت بهینه منابع آب در شرایط اقلیمی خشک بوده و هنوز هم به‌عنوان نمادی از سازگاری فرهنگی با محیط زیست شناخته می‌شود. از سوی دیگر، کاروانسراها کارکردی دوگانه داشته‌اند: هم در خدمت تجارت و حمل‌ونقل، و هم به‌عنوان کانون تبادل فرهنگی و اجتماعی بین مناطق مختلف. مصاحبه‌ها نشان داد که مردم این بناها را نشانه‌هایی از دوران رونق اقتصادی و پویایی ارتباطی منطقه می‌دانند.

#### کارکرد اجتماعی-فراغتی:

پارک‌ها و فضاهای سبز شهری اسفراین امروز نقش مهمی در انسجام اجتماعی، گذران اوقات فراغت و ارتقای سلامت روانی ساکنان دارند. مشاهدات نشان داد که این فضاها تبدیل به محور تعاملات اجتماعی و گفت‌وگوهای خانوادگی شده‌اند؛ جایی برای پیوند نسلی، تبادل فرهنگی و تقویت حس تعلق به شهر. کارکرد اصلی این فضاها در زمان حال، ایجاد بستری برای هم‌زیستی شهری و تعامل اجتماعی روزمره است.

#### کارکرد فرهنگی و آموزشی:

در نهایت، مراکز فرهنگی و هنری (فرهنگ‌سراها، نگارخانه‌ها و آموزشگاه‌های هنری) کارکردی آفریننده و پویا در توسعه فرهنگی شهر دارند. این مکان‌ها فضاهایی برای تولید و انتقال دانش، بروز استعدادهای هنری و ارتقای سواد فرهنگی جامعه هستند. مصاحبه‌ها نشان داد که این مراکز به هنرمندان محلی فرصت داده‌اند تا هویت فرهنگی خود را بازتعریف کنند و نسل جوان نیز در آن‌ها با مفاهیم فرهنگ بومی آشنا شود.

در مجموع، نتایج میدانی نشان می‌دهد که جاذبه‌های انسان‌ساخت در اسفراین نه صرفاً میراثی از گذشته، بلکه عناصری زنده و پویا هستند که در زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم حضور دارند و با نقش‌هایی همچون هویت‌بخشی، آموزش، تعامل اجتماعی و مدیریت منابع، در تداوم فرهنگ محلی نقش‌آفرینی می‌کنند.

### تحلیل مردم‌شناختی جاذبه‌های گردشگری انسان‌ساخت در جاجرم:

جاذبه‌های انسان‌ساخت در جاجرم، بازتابی از تاریخ کهن، موقعیت استراتژیک، و نیازهای معیشتی و اجتماعی مردم این دیار در طول قرون متمادی هستند. این سازه‌ها، از قلعه‌های دفاعی گرفته تا مساجد و فضاهای عمومی، در زندگی روزمره و حافظه جمعی مردم جاجرم نقش آفرینی می‌کنند.

**جدول ۲: ملاک‌ها و نشانگرهای تحلیل مردم‌شناختی (بخش انسان‌ساخت - جاجرم) (استخراج محقق)**

ملاک (Criterion)	نشانگر (Indicator)
۱. نماد مقاومت و حافظه تاریخی (قلعه جلال‌الدین و تپه پهلوان)	۱. ادراک مردم از قلعه به عنوان نماد ایستادگی: چقدر قلعه جلال‌الدین را نماد "ایستادگی" و "درس تاریخ زنده" می‌دانند. ۲. جایگاه در حافظه جمعی: چطور قلعه و تپه در حافظه جمعی مردم به عنوان پناهگاه و نماد "پایداری در برابر حملات مهاجمان" باقی مانده‌اند.
۲. پیوندهای اقتصادی و فرهنگی تاریخی (مجموعه کاروانسرا و رباط قلی)	۳. تأثیر در روایت‌های شفاهی و بازی کودکان: شکل‌گیری داستان‌ها و افسانه‌ها حول قلعه و تپه (مثلاً داستان جن یا شهدای دفاع از آب و خاک) که سینه به سینه منتقل می‌شود. ۴. استفاده معیشتی و بازدید بومیان: مشاهده چوپانان یا کشاورزان محلی که از اطراف این قلعه‌ها برای معیشت استفاده می‌کنند و گروه‌های بومی که برای مرور تاریخ به این اماکن می‌آیند. ۵. پیوستگی فیزیکی با بقایای تاریخی: مشاهده "بقایای دیوارهای قلعه و تپه که هنوز صلابت گذشته را به یاد می‌آورند."
۳. زندگی اجتماعی و بهداشت سنتی (حمام قدیمی حاجی میرزا مهدی)	۱. درک مردم از کارکرد شریان حیاتی: چقدر کاروانسراها را "شریان حیاتی قدیم" و مرکز "تبادل کالا تا اخبار" می‌دانند. ۲. نقش در آشنایی فرهنگ‌ها: آیا مردم به نقش کاروانسراها در "آشنا شدن فرهنگ‌ها با هم" و "فاصلی شدن فرهنگ‌ها" اشاره می‌کنند. ۳. کارکرد درمانی و مهمان‌نوازی: شنیدن روایت‌هایی در مورد کمک مردم محلی به "مسافرا مریض میشدن" و نشان‌دهنده "سخاوت و مهمان‌نوازی". ۴. بازنمایی کاربری گذشته: آیا کاروانسراها به عنوان "خونه دوم بازرگان‌ها" که هم معامله و هم استراحت می‌کردند، یادآوری می‌شوند. ۵. مشاهده احیای کاربری جدید: چگونگی استفاده جدید از فضاهای قدیمی (مثلاً بوم‌گردی) و تعامل بازدیدکنندگان با آن.
۴. بویایی زندگی شهری معاصر (فضاهای عمومی شهری)	۱. نقش حمام به عنوان پاتوق اجتماعی: چقدر حمام "فقط برای تمیزی نبود" و مکانی برای "کل اخبار محل رو می‌فهمیدیم" و "پاتوق" بود. ۲. جایگاه در آداب و رسوم ازدواج: آیا حمام با مراسم خاصی مثل "عروس و دامادها رو اونجا انتخاب می‌کردن" گره خورده بود. ۳. حس صمیمیت و زندگی جمعی: یادآوری حمام به عنوان "فضای خیلی گرم و صمیمی‌ای بود که الان کمتر پیدا میشه" و "نشون‌دهنده زندگی جمعی گذشته بود". ۴. کارکرد تبادل اخبار و ملاقات: آیا حمام جایی بود که "هم رفیقاشو می‌دید، هم اخبار شهر رو می‌گرفت". ۵. مشاهده معماری و بازسازی برای کاربری فرهنگی: امکان مشاهده معماری حمام و یا بازسازی آن برای کاربری‌های فرهنگی جدید.
	۱. نقش میدان‌ها و خیابان‌ها به عنوان "نبض شهر": ادراک مردم از این فضاها به عنوان "شلوغ‌ترین جای شهر" و جایی که "نبض شهر می‌زنه". ۲. محل خرید و فروش و تعاملات روزمره: مشاهده "خرید می‌کنن، هم همدیگه رو می‌بینن" در این فضاها. ۳. فضای آرامش و امنیت برای خانواده‌ها: آیا مردم از این فضاها برای "قدم زدن" و "حس آرامش و امنیت" با خانواده استفاده می‌کنند. ۴. تأثیر بر ارتباطات اجتماعی: آیا این فضاها "باعث میشه بیشتر همدیگه رو ببینیم". ۵. بازتاب نیازها و سلیقه مردم: مشاهده نحوه آرایش مغازه‌ها و نوع کالاهای عرضه شده به عنوان بازتابی از نیازها و سلیقه مردم.

## کارکردهای جاذبه‌های انسان‌ساخت در جاجرم:

### کارکرد تاریخی - حافظه جمعی و هویت مقاومت

سازه‌هایی چون قلعه جلال‌الدین و تپه پهلوان نه تنها یادگارهای معماری خوارزمشاهیان هستند، بلکه به منزله‌ی نمادهای پایداری و مقاومت در برابر تهاجمات تاریخی در ذهن مردم جاجرم نقش بسته‌اند. این بناها بازتابی از «هویت مقاوم» مردم منطقه‌اند که در طول تاریخ، بارها در برابر تهدیدات بیرونی ایستادگی کرده‌اند. حافظه‌ی جمعی اهالی با افسانه‌ها و روایت‌های شفاهی درباره‌ی رشادت، شهادت و حتی باورهای فراطبیعی (همچون حضور ارواح یا جن) غنا یافته است. بنابراین، این بناها از منظر مردم‌شناختی، حامل پیام‌های چندلایه‌ای از تاریخ، اسطوره و هویت‌اند.

### کارکرد فرهنگی و تعاملی - مبادله‌ی فرهنگ‌ها و ارزش‌ها

کاروانسرا و رباط قلی نقش مهمی در شکل‌گیری شبکه‌ی ارتباطی و تبادل فرهنگی میان نواحی مختلف ایفا کرده‌اند. این مکان‌ها فقط مسیر عبور کاروان‌ها نبودند، بلکه «میدان‌های تعامل فرهنگی» محسوب می‌شدند که در آن کالا، زبان، آیین و آداب زندگی تبادل می‌شد. از دیدگاه مردم‌شناسی، چنین فضاهایی بستر شکل‌گیری «فرهنگ ارتباطی» و «هویت میان‌فرهنگی» را در جاجرم فراهم کردند و باعث شدند مردم منطقه روحیه‌ی پذیرش، سخاوت و مهمان‌نوازی را به‌عنوان ارزش‌های پایدار اجتماعی حفظ کنند.

### کارکرد اجتماعی - انسجام و تعامل جمعی

حمام قدیمی حاجی میرزا مهدی مصداقی از فضاهای اجتماعی سنتی است که در گذشته، کارکردی فراتر از بهداشت داشته‌اند. این مکان‌ها مرکز «تعاملات اجتماعی روزمره»، «انتقال اخبار» و حتی «مراسم آیینی» چون حمام عروس یا داماد بودند. زنان و مردان در این فضاها شبکه‌های ارتباطی و حمایتی خود را تقویت می‌کردند و روابط همسایگی در آن شکل می‌گرفت. چنین فضاهایی نشان‌دهنده‌ی کارکرد «اجتماعی-فرهنگی» معماری سنتی و نقش آن در ایجاد حس تعلق و انسجام اجتماعی در میان مردم جاجرم است.

### کارکرد اقتصادی و گردشگری - پایداری معیشتی و جذب گردشگر

احیای فضاهای تاریخی چون کاروانسراها یا حمام‌ها در قالب اقامتگاه‌های بوم‌گردی یا مراکز فرهنگی، نشانگر پیوند نوینی میان گذشته و معیشت امروز مردم است. این روند ضمن حفظ میراث فرهنگی، زمینه‌ی اشتغال و توسعه‌ی پایدار محلی را فراهم می‌کند. فضاهای عمومی مدرن، بازارها و خیابان‌های پرتردد نیز استمرار همین کارکرد اقتصادی در ساختار شهری امروز جاجرم هستند که در آن دادوستد، تعامل و گردش سرمایه جریان دارد.

### کارکرد هویتی و شهری - تداوم زندگی جمعی و حس مکان

در شهر معاصر جاجرم، میدان‌ها، خیابان‌های اصلی و بازارهای جدید، بستر تداوم زندگی اجتماعی و تجربه‌ی مشترک شهری‌اند. این فضاها هویت جدیدی را برای شهروندان شکل می‌دهند که ریشه در همان پیوندهای سنتی و تعامل جمعی دارد. از دیدگاه مردم‌شناسی شهری، این فضاها حامل «حس مکان» و بازتاب «هویت شهری معاصر» مردم جاجرم‌اند؛ جایی که گذشته و حال در هم تنیده می‌شوند و تجربه‌ی زیسته‌ی مردم در کالبد فضاهای عمومی بازتولید می‌گردد.

## نتیجه‌گیری

تحلیل مردم‌شناختی (انسان‌شناختی) جاذبه‌های گردشگری انسان‌ساخت در شهرستان‌های جاجرم و اسفراین، نشان می‌دهد که این مناطق به دلیل موقعیت استراتژیک تاریخی و فرهنگی خود در خراسان شمالی، دارای پتانسیل‌های غنی اما متفاوتی هستند که نحوه درک، ارزش‌گذاری و تعامل گردشگران با آن‌ها، عمیقاً تحت تأثیر مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و محلی قرار دارد.

### ۱. تفاوت در ماهیت و ادراک جاذبه‌ها:

- اسفراین (تأکید بر هویت و میراث): جاذبه‌های انسان‌ساخت اسفراین اغلب با تاریخ منطقه‌ای، هویت محلی قوی‌تر (مانند قلعه‌ها، اماکن مذهبی خاص یا بافت‌های سنتی) و شاید ریشه‌های عمیق‌تر فرهنگی گره خورده‌اند. از منظر مردم‌شناسی، تعامل با این

مکان‌ها بیشتر بر پایه بازتولید روایت‌های هویتی و حس تعلق به تاریخ سرزمین شکل می‌گیرد. گردشگران ممکن است به دنبال کشف داستان‌های شفاهی و ارتباطات اجتماعی مرتبط با این سازه‌ها باشند.

• جاجرم (تأکید بر مسیر و کاروان‌رو بودن): جاجرم به دلیل قرارگیری بر سر راه‌های کهن کاروان‌رو، جاذبه‌های انسان‌ساخت آن (مانند رباط‌ها، کاروانسراها یا بقایای تاریخی مرتبط با تجارت) دارای بُعد "مکان عبور" و "تبادل فرهنگی" هستند. تحلیل مردم‌شناختی در اینجا بر روی چگونگی تأثیر این جاذبه‌های تاریخی بر الگوهای رفتاری مهاجران، بازرگانان و تأثیرات متقابل فرهنگی در طول تاریخ تمرکز خواهد داشت.

## ۲. نقش جامعه محلی در شکل‌دهی به تجربه گردشگری:

نتایج نشان می‌دهد که درک "جاذبه" صرفاً به بنای فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه به "فضای معنایی" اطراف آن وابسته است:

- اسطوره‌سازی و مقدس‌سازی: برخی جاذبه‌ها، به ویژه اماکن مذهبی یا یادبودهای مهم، توسط جامعه محلی دارای بار معنایی و اعتقادی عمیقی هستند. تعامل گردشگران با این اماکن، بدون درک این لایه‌های معنایی، می‌تواند تجربه سطحی باشد. مردم‌شناسی بر نحوه "اجرا" (Performance) مناسک و باورها در این فضاها توسط میزبانان محلی تأکید می‌کند.

- اقتصاد معنایی: ارزش‌گذاری مردم محلی بر جاذبه‌های انسان‌ساخت (اولویت‌بندی‌ها در مقایسه با جاذبه‌های طبیعی) تعیین‌کننده اصلی موفقیت یا شکست یک سایت در جذب گردشگر هدفمند است. اگر مردم محلی ارزش اقتصادی یا هویتی چندانی برای یک سازه قائل نباشند، تجربه گردشگری آن نیز ضعیف خواهد بود.

۳. چالش‌های توسعه گردشگری مبتنی بر مردم‌شناسی:

نتیجه‌گیری نهایی این است که هرگونه برنامه‌ریزی توسعه گردشگری انسان‌ساخت در این شهرستان‌ها باید از رویکرد مشارکتی و فرهنگی حساس پیروی کند:

۱. حفظ اصالت: تلاش برای بازسازی یا معرفی جاذبه‌ها باید با در نظر گرفتن روایت‌های معتبر محلی صورت گیرد تا از تبدیل شدن مکان‌ها به صرفاً "صحنه" برای گردشگران (تولید مکان‌های نمایشی) جلوگیری شود.

۲. تنوع‌بخشی به روایت‌ها: برای هر جاذبه انسان‌ساخت، باید روایات مختلفی از سوی گروه‌های متفاوت (افراد مسن، جوانان، زنان، بازرگانان قدیمی) جمع‌آوری و به شیوه‌ای جذاب به گردشگر منتقل شود تا درک جامع‌تری از فرهنگ منطقه ایجاد گردد.

۳. انتقال دانش: موفقیت جاذبه‌های انسان‌ساخت در این مناطق منوط به توانایی آن‌ها در انتقال دانش و مهارت‌های سنتی مرتبط با آن سازه‌ها (مثلاً معماری، صنایع دستی خاص منطقه) به بازدیدکنندگان است، نه صرفاً نمایش بقایای آن.

به طور خلاصه، جاذبه‌های انسان‌ساخت جاجرم و اسفراین، بسترهایی هستند که در آن‌ها هویت، تاریخ، اقتصاد محلی و نظام باورهای مردم منطقه در هم تنیده شده‌اند. نتیجه‌گیری مردم‌شناختی این است که برای توسعه پایدار، باید این بافت اجتماعی-فرهنگی را به جای صرفاً نمایش آثار، در کانون توجه قرار داد.

## منابع

۱. یزدانی، رضوان، باصری، علی و منصوری لکوج، محمدهادی. (۱۴۰۴). تحلیل مردم‌شناختی آثار گردشگری در خراسان شمالی (مورد مطالعه شهرستان‌های اسفراین و جاجرم). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۵(۶۰). doi: 10.22034/jgeoq.2025.536535.4302
۲. متقی، سمیرا (۱۳۹۹). تحلیل مقایسه ای گردشگری منطقه ای با رویکرد درآمد محور: فصلنامه گردشگری شهری دوره ۷
۳. علیزاده جاجرم، حسین (۱۳۷۸). تاریخ جاجرم. نشر جاجرمی
۴. نجفی، علیرضا؛ نیک گفتار، احمد و وظیفه شناس، حامد (۱۳۹۴). سیری بر جلوه‌های هنر و معماری شهر تاریخی بلقیس اسفراین، انتشارات شکوفه سیب، اسفراین.

5.Harris, R., Williams, P., & Griffin, T. (2012). Sustainable tourism. Routledge.

6.Du Cros, H., & McKercher, B. (2020). Cultural tourism. Routledge.

7.Weng, L., He, B.-J., Liu, L., Li, C., & Zhang, X. (2019). Sustainability Assessment of Cultural Heritage Tourism: Case Study of Pingyao Ancient City in China. Sustainability, 11(5), 1392. <https://doi.org/10.3390/su11051392>

- 8.Adams, K. M. (2024). Valene Smith, tourism, and the remapping of anthropological terrain. *Tourism Geographies*, 26(4), 695–699. <https://doi.org/10.1080/14616688.2024.2342467>
- 9.Andrews, H., & Roberts, L. (2025). Notes Towards a Phenomenological Anthropology of Travel and Tourism. *Humanities*, 14(6), 119. <https://doi.org/10.3390/h14060119>